

## تحلیل عاملی موانع موجود در زمینه کارآفرینی زنان کشاورز از دیدگاه زنان نمونه کشاورز منطقه جیرفت و کهنوج

امید شریفی<sup>۱</sup>، محسن عادل<sup>۲</sup>

### چکیده

کارآفرینی از محورهای اصلی واساسی رشد و توسعه در هر کشوری است به طوری که آن را موتور توسعه اقتصادی در هر کشوری می‌دانند. تجربه کشورهای دارای رشد بالای درآمد ملی نشان دهنده آن است که مدیران این کشورها به نقش و اهمیت کارآفرینی در پیشرفت و توسعه کشور پی برده‌اند. از آنجائی که بخش عظیمی از جامعه روستایی و کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند، لذا کارآفرینی این قشر از جامعه از اهمیت بخصوصی برخوردار است. تحقیق حاضر به بررسی موانع موجود در زمینه کارآفرینی زنان در بخش کشاورزی از دیدگاه زنان کشاورز نمونه منطقه جیرفت و کهنوج می‌پردازد، ابزار تحقیق، پرسش‌نامه می‌باشد که برای حصول اطمینان از پایایی پرسش‌نامه مورد استفاده از آزمون الفای کرونباخ بهره گرفته شده است و مقدار پارامتر آلفا (a) ۰/۸۳ بوده که نشان دهنده مناسب بودن پرسش‌نامه مورد استفاده است و برای اطمینان از روایی یا اعتبار محتوایی پرسش‌نامه از روش نظر سنجی استادان و صاحب نظران امر استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل کشاورزان نمونه‌ای می‌باشد که طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ از طرف سازمان جهاد کشاورزی منطقه جیرفت و کهنوج به عنوان کشاورز نمونه در مناطق (جیرفت، کهنوج، عنبرآباد، رودبار جنوب، منوجان، قلعه گنج) انتخاب شده‌اند، تعداد افراد حاضر ۷۴ نفر بوده که به دلیل محدود بودن تعداد، تمامی آن‌ها مصاحبه شده و پرسشنامه‌ها تکمیل شد. در تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها از روش تحلیل عاملی از نوع اکتشافی برای دسته بندی و تبیین و تشریح موانع مورد بررسی و استخراج سازه‌های زیر بنایی بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی موانع موجود را به سه دسته (فرهنگی-اجتماعی)، (خدماتی-حمایتی) و (قانونی) تقسیم می‌کند، که در مجموع ۶۷/۵٪ کل واریانس عوامل را تبیین می‌کنند

**کلید واژه‌ها:** کارآفرینی، زنان، کشاورزی، جیرفت و کهنوج

پذیرش: ۸۹/۱۲/۲۴

دریافت: ۸۹/۱۰/۱۰

## مقدمه و بیان مسأله

در کشورهای در حال توسعه، بخش کشاورزی با ویژگی‌های خاص خود نقش مهمی در زمینه اشتغال، تولید ناخالص ملی، صادرات، امنیت و سلامت غذایی ایفا می‌کند. در این کشورها زنان در بخش کشاورزی همچون سایر بخش‌های اقتصادی جامعه پا به پای مردان برای تداوم کارکرد فرایندهای تولیدی، خدماتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تلاش کرده‌اند و سهم قابل توجهی از نیروی کار در بخش کشاورزی یا به عبارتی سرمایه انسانی را به خود اختصاص داده‌اند، به رغم این واقعیت و تأکیدی که در فرآیند توسعه پایدار عدالت‌گرا، مشارکت محور، انسان مدار و درون زا بر توانمندسازی تمامی آحاد بشر از جمله زنان کشاورز از طریق ظرفیت سازی و ارائه خدمات مناسب وجود دارد، در توسعه برنامه‌ها و ارائه خدمات گروه‌های زنان حداقل در مقایسه با مردان به نسبت تلاشی که می‌کنند کمتر از خدمات و برنامه‌های توسعه منتفع می‌شوند و این عاملی است که باعث اطلاق عنوان مخاطبان فراموش شده به آن‌ها گردیده است (شریف زاده به نقل از فائو<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰: ۵۸). با توجه به اینکه زنان بزرگترین گروه محرومان در جهان می‌باشند، تلاش برنامه ریزان و کارشناسان زنان بخصوص زنان روستایی در گام نخست باید معطوف به جبران محدودیت‌ها و محرومیت‌ها و سوق دادن زنان کشاورز و روستایی به سوی تساوی اجتماعی و اقتصادی باشد و این امر جز با توانمندسازی آنان از طریق کارآفرینی میسر نمی‌شود (Hisrich et all, 2005:48). کارآفرینی در دنیای کنونی، در پی روابط تعادلی بین روح و فکر و جسم است و به عنوان کلید حل مسائل و موانع توسعه انسانی، موضوع بحث بسیاری از اندیشمندان توسعه اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. آن‌ها معتقدند که کارآفرینی موتور توسعه انسانی و بالتبع توسعه اقتصادی کشورهاست، همچنین عقیده دارند اگر خواهان اقتصادی پیشرفته در قرن ۲۱ هستیم، کلید آن کار آفرینی است و لازمه آن توجه بیشتر محققان و سیاست گذاران به نیازهای نیمی از جمعیت جهان، یعنی زنان است (Carter, 2005: 39). اسمیت (2005) عقیده دارد که توسعه در بازار (جهانی شدن، صدور گواهینامه‌های مختلف و...) در کشاورزی (مباحث سازمان تجارت جهانی، اصلاحات سیاست‌های زنتیکی، منابع طبیعی و...) لزوم سطوح بالاتر کارآفرینی را به خصوص در قسمت کشاورزی محسوس تر می‌نماید. (Smith, 2005:12). زنان خواه ب صورت مدیر یا کارگر نقش بسیار مهمی در زمینه کارآفرینی در بخش‌های کوچک را نیز دارند و از آنجائی که بیشتر کارهای کشاورزی را در بخش روستایی انجام می‌دهند، در واقع همانند کارآفرینان در تولید تجارت محصولات عمل می‌کنند، با موانع و مشکلات این کار در سطح مهارتی، تکنولوژیکی و منابع مالی که نمود بیشتری پیدا می‌کند رو به رو هستند (Unido, 2004:86). نتایج مطالعات متعدد نشان دهنده آن است که آموزش کارآفرینی برای غلبه بر بیکاری و افزایش مهارت‌های زنان برای کارآفرین شدن از برنامه‌های مهم دولت‌ها است (Katz, 2003:291) نتایج مصاحبه با زنان اتحادیه اروپا در ۱۲ کشور عضو این

اتحادیه نشان داد که در بسیاری از موارد، آنچه باعث تحریک افراد برای کار آفرین شدن می‌شود رویداد بیرونی به نام بیکاری است. و زنان برای اینکه بتوانند وقت بیشتری را برای خانه و خانواده‌هایشان بگذارند، شغل پاره وقت انتخاب می‌کنند، بنابراین، به دنبال کار تمام وقت یا شغل‌های سنگین نیستند از طرفی امکان یافتن چنین شغل یا فعالیتی با حقوق کافی برای زنان مشکل‌تر از مردان است. و در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی احتمال بیکار شدن زنان بیشتر از مردان است و مشکلات بیشتری برای یافتن شغل دارند (OECD, 1999:78). به رغم تعریف دقیق از اشتغال زنان روستایی در کشاورزی، برآوردها نشان می‌دهند که در کشور ما سهم زنان به عنوان نیروی کار کشاورزی ۴۰ درصد است، این رقم بدون احتساب فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری است. مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی بر اساس برخی آمارهای غیر رسمی ۷۵ درصد در زراعت برنج، ۹۰ درصد در تولید سبزی و صیفی جات، ۵۰ درصد در زراعت پنبه و دانه‌های روغنی و ۳۰ درصد در امور برداشت باغ‌ها است، علاوه بر آن ۷۵ درصد از تولیدات صنایع دستی کشور در اختیار زنان است (شعبانعلی فمی، اسدی و چوپچیان، ۱۳۸۶: ۴۶) با وجود این اغلب بانوان روستایی به عنوان کشاورز محسوب نشده‌اند و در فرایند تحلیل مشکلات، برنامه ریزی و تصمیم‌گیری در نظر گرفته نمی‌شوند، از این رو، برنامه‌های آموزشی، اعتباری و حمایتی شامل حال آن‌ها نمی‌شود (چهارسوقی و میر دامادی، ۱۳۸۶: ۲۶۷) هدف کلی تحقیق حاضر بررسی و شناخت موانع تأثیرگذار بر کارآفرینی زنان نمونه کشاورز منطقه جیرفت و کهنوج است منطقه جیرفت و کهنوج با داشتن پتانسیل بالای کشاورزی به عنوان یکی از قطب‌های کشاورزی در کشور مطرح می‌باشد به طوری که آن را هند کوچک ایران می‌شناسند. در این منطقه مثل سایر مناطق کشور زنان سهم بسزایی در بخش کشاورزی را دارا می‌باشند. اما به دلایل متعدد علی‌الخصوص زمینه‌های فرهنگی و سنت‌های حاکم بر منطقه کمتر از سایر مناطق مورد توجه برنامه ریزان و دست‌اندرکاران توسعه و ترویج روستایی در سطح شهرستان قرار گرفته‌اند. در جامعه مردسالاری مانند جیرفت و کهنوج به جرأت می‌توان گفت که زنان نه تنها وظایف مربوط به خانه و خانه داری را برعهده دارند بلکه بدون مشارکت آن‌ها امکان تداوم فعالیت‌های کشاورزی در این منطقه غیر ممکن می‌باشد یا حداقل اینکه با بحران جدی مواجه می‌باشد. مطالعه موانع کار آفرینی زنان کشاورز نمونه در این منطقه به عنوان پیشروان جامعه روستایی به شناسایی محدودیتهای موجود، اصلاح مسیر آتی و در نهایت به افزایش کارایی فردی و اجتماعی آنان کمک می‌کند. شناسایی، انتخاب، معرفی و بکارگیری زنان نمونه در بخش کشاورزی زمینه تحریک علایق و ایجاد انگیزه میان عامه تولید کنندگان بعنوان یک حلقه مهم در سلسله مراتب زنجیره تبادل دانش بین کشاورزان و تولید کنندگان از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زنان نمونه کشاورز با توجه به ویژگی‌های مهارتی و فنی آنان، پیشرو بودن در پذیرش ایده‌های نو، ارتباط با مراکز ترویجی و تحقیقی، انگیزه بالا برای پیشرفت خلاقیت، ابتکار و نوآوری و از همه مهمتر مقبولیت و ارتباط گسترده با هم قطاران از نقش مهمی در پیشبرد

اهداف توسعه و ترویج کشاورزی در میان سایر تولیدکنندگان برخوردار می‌باشند. این افراد در زمینه‌های مختلف کشاورزی می‌توانند یار و یاور عاملین ترویج بوده و یکی از عوامل موثر در پیشبرد فعالیت‌های آموزشی-ترویجی باشند. بدیهی است تا زمانی که زمینه گسترش توانایی‌های زنان روستایی به وجود نیامده و آنان به درجه‌ای از توانمند سازی در جهت تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع در راستای کسب خود اتکایی قابل قبول و مشارکت در تصمیم گیری‌ها نائل نشوند این بازیگران پنهان به جایگاهی که منزلت انسانی در خور آنهاست دست نخواهند یافت. به منظور دستیابی به هدف فوق سئوالات زیر مورد توجه قرار گرفت:

- مهم‌ترین عوامل بازدارنده فرهنگی از دیدگاه زنان نمونه کشاورز چه مواردی است؟
- مهم‌ترین عوامل بازدارنده اجتماعی از دیدگاه زنان نمونه کشاورز چه مواردی است؟
- مهم‌ترین عوامل بازدارنده مالی از دیدگاه زنان نمونه کشاورز چه مواردی است؟
- مهم‌ترین عوامل بازدارنده که در قوانین و مقررات دولتی وجود دارند چه مواردی است؟

### چارچوب نظری

برای توسعه جوامع روستایی توجه به بخش کشاورزی بسیار مهم است، زیرا کشاورزی یکی از بخش‌های اقتصادی کشور است که تامین کننده سهم مهمی از تولید ناخالص داخلی، اشتغال، نیازهای غذایی، صادرات غیر نفتی و نیاز صنایع است. توسعه بخش کشاورزی، پیش شرط ضروری توسعه اقتصادی کشور است و تا زمانی که موانع توسعه در این بخش بر طرف نشود، سایر بخش‌ها نیز به شکوفایی و توسعه دست نخواهد یافت (هاشمی داران، ۱۳۸۴: ۴۹۲) در این زمینه توسعه و تربیت نیروی انسانی ماهر عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی است. در بخش کشاورزی فرد کار آفرین با بهره برداری بهینه از منابع و امکانات موجود و سرمایه گذاری در پاره‌ای از فعالیت‌های مخاطره آمیز اقتصادی، ضمن ایجاد اشتغال برای چند فرد دیگر، با تولید خدمات و محصولاتی که از لحاظ کیفیت، قیمت و زمان ارائه و میزان دسترسی قابل رقابت با دیگر خدمات و محصولات مشابه خود است، گامی بلند در راستای توسعه کشاورزی بر می‌دارد (حسینی و سلیمان پور، ۱۳۸۵: ۲۵۲) در ایران بر اساس داده‌های سر شماری سال ۱۳۸۵ از کل جمعیت ۱۰،۸۹۴،۲۴۶ نفری زنان روستایی در ایران، حدود ۹۰،۴۶،۸۹۴ زن روستایی ۱۰ سال به بالا در بخش کشاورزی و منابع طبیعی و سایر فعالیت‌ها مانند صنایع دستی فعالیت دارند (احمدی شاپورآبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۷) به رغم این شواهد، زنان برای برخورداری از حقوق انسانی باید در برنامه‌های توسعه به ویژه توسعه روستایی مشارکت داشته باشند تا از نتایج آن نیز بهره مند شوند، اما واقعیت بازنمای این است که زنان با وجود مشارکت در بسیاری از فعالیت‌ها در سطح روستا از جایگاه و رتبه خاص اجتماعی برخوردار نیستند (ویسی و بادسار، ۱۳۸۴: ۲۴). لهسای زاده بیان می‌کند که هر چند زنان نقش مهمی در

فعالیت‌های کشاورزی دارند اما به علت نامرئی بودن، در فعالیت‌ها و آمار توسعه منظور نمی‌شوند. ایشان راهکار مناسب را ایجاد تشکل‌های اقتصادی می‌دانند (لهسایی زاده، ۱۳۷۶: ۴) طبق گفته فیروزه صابر رئیس هیات‌مدیره انجمن زنان مدیر کارآفرین و بر اساس آمار ۱۳۸۵ نرخ اشتغال زنان در بخش خدمات بیش‌تر از سایر بخش‌های اقتصادی است. زنان در بخش خدمات ۶۱ درصد، در بخش صنعت ۲۵ درصد و در بخش کشاورزی ۱۴ درصد اشتغال را صاحب هستند و نرخ بیکاری در کل ۱۳ درصد است و در جامعه زنان ۲۳ درصد می‌باشد. در کل ۵/۷ درصد مردان و زنان کارفرما (صاحب کسب و کار) هستند، مردان ۶/۳ درصد در جامعه مردان و زنان ۱/۵ درصد جامعه زنان شاغل را تشکیل می‌دهند. بیش‌ترین آمار جامعه زنان را نیز زنان شاغل و کارکنان فامیلی بدون مزد تشکیل می‌دهند که ۳۲/۶ درصد است به گفته ایشان متوسط نرخ کارآفرینی در دنیا ۷/۷۲ درصد جمعیت زنان است نکته‌ای دیگری که صابر در این آمار بر آن تاکید دارد این است که در شرکت‌هایی که مالکیت آن با زنان است ۵۲ درصد کارکنان را زنان و ۴۸ درصد را مردان تشکیل می‌دهند اما در شرکت‌های مردان ۳۸ درصد زن و ۶۲ درصد کارمند مرد حضور دارند. (صابر، ۱۳۸۸)

به رغم آنکه تعداد زنان کارآفرین در جهان در حال افزایش است اما سهم زنان در کارآفرینی هنگامی که با نرخ مشارکت آن‌ها مقایسه می‌شود پایین است، و با آنکه بیش از ۴۰ درصد از استخدام شدگان را زنان تشکیل می‌دهند نسبت زنان کارآفرین حدود ۳۰ درصد تعداد کارآفرینان در غرب می‌باشد (Zimny, 2003:101). در سال‌های اخیر در جهان شاهد رشد چشمگیری در تعداد بنگاه‌های اقتصادی ایجاد شده توسط زنان هستیم، کسب و کارهای زنان در ایالات متحده بین سال‌های ۹۷ - ۸۷ از نظر تعداد ۲ برابر، از حیث اشتغال‌زایی ۴ برابر و از نظر فروش ۵ برابر شده است. همچنین این بنگاه‌های اقتصادی در سال ۲۰۰۲ برای حدود ۱۰ میلیون نفر شغل ایجاد کرده‌اند و این زنان سالانه حدود ۲/۵ تریلیون دلار به درآمد اقتصادی دولت آمریکا کمک کرده‌اند که این رقم از تولید ناخالص داخلی<sup>۱</sup> بسیاری از کشورها بالاتر است. در سایر کشورها نیز شاهد رشد در تعداد زنان کارآفرین هستیم. در پرتغال تعداد زنان کارآفرین در سال ۱۹۹۵، ۵۳ درصد رشد داشته است (آراستی، ۱۳۸۵) با وجود این رشد، زنان در زمینه کارآفرینی با مشکلات متعددی در کشورهای مختلف روبه‌رو هستند، در کشور جامائیکا کارآفرینان زن، برای گرفتن وام و برخورداری از تسهیلات بانکی با مشکلات عمده‌ای مواجه هستند که دلیل اصلی آن به رفتار تبعیض آمیز بخش وام‌دهنده و این نگرش که از یک سو سطح تحصیلات زنان پایین بوده و توانایی لازم برای معرفی ضامن را ندارند و از سویی دیگر بسیاری از افراد توانایی زنان را برای انجام امور بوروکراسی محدود می‌دانند، برمی‌گردد. در پاکستان موقعیت اجتماعی برای زنان کارآفرین و به ویژه آن دسته از زنان که قصد ایجاد یک کسب و کار را دارند بسیار دشوار است آن‌ها هم با موانع قانونی و هم با اقدامات تبعیض آمیز اجتماعی روبرو هستند. در کشور

کرواسی نتایج بررسی در مورد موانع توسعه کارآفرینی زنان با نگاهی به شناسایی محدودیت‌ها و اقدامات لازم برای رفع آن‌ها، ضرورت ترویج و توسعه کسب و کارهای کوچک را نشان می‌دهد و بر گسترش کار آفرینی زنان مطابق با سیاست ملی ترویج تساوی جنسیتی تأکید دارد. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۴). سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۸) موانع کارآفرینی زنان را به این صورت دسته بندی کرده است: الف) موانع رفتاری: زنان اعتماد به نفس کمتر و تصوّر منفی از خود دارند؛ ب) موانع ایفای نقش: تعارض بین وظایف مختلف با محدودیت‌های زمانی؛ ج) موانع اجتماعی و فرهنگی: دید منفی نسبت به زنان در کار؛ د) موانع تحصیلی: زنان به طور نسبی سطوح تحصیلات پایین تری را نسبت به مردان برخوردارند و اغلب دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی شغلی دارند؛ ه) موانع شغلی: زنان فرصت کمتری در بخش رسمی اقتصاد برای پیشرفت مهارت‌های خود دارند؛ ر) موانع زیر بنایی: دسترسی به اعتبار، فناوری، خدمات حمایتی، زمین و اطلاعات به طور اصولی برای زنان مشکل‌تر است ز) موانع قانونی: فعالیت قانونی مستقل برای زنان محدود است. صابر در سال (۱۳۸۱) نقش زن روستایی کارآفرین را در ایران به منظور بررسی محدودیت‌ها و ابتکارات و تدابیر آن‌ها مورد مطالعه قرار داد. وی محدودیت‌ها و موانع ذکر شده از سوی کارآفرینان مورد مطالعه را به سه بخش کلی تقسیم کرد: الف) موانع فردی: موانعی که برخاسته از محدودیت شخصی و خانوادگی زنان کارآفرین است ب) موانع سازمانی: موانعی که مربوط به درون شرکت یا موسسه کسب و کار آنان است این موانع شامل موانع مالی، فیزیکی، بازاریابی، فروش و منابع انسانی است. ج) موانع محیطی: موانعی که عمدتاً موانع فرهنگی، اجتماعی و تا حدی قانونی است. در بررسی دیگری که ۱۲۹ کارآفرین زن در آمریکا مورد سوال قرار گرفتند مشخص شد که ۳۴ درصد از آنان در جلب سرمایه گذاری و مدیریت مالی دچار مشکل بوده‌اند، همچنین آنان اظهار کرده‌اند که عامل جنسیتی باعث عدم ورود آنان به محافل اجتماعی بوده است (Batter and Moore, 1997). نتایج تحقیقات میرغفوری و همکاران در زمینه شناسایی موانع موثر بر کار آفرینی زنان کار آفرین استان یزد نشان داد که شش دسته از موانع خانوادگی، علمی- تحصیلی، شخصیتی، مالی، فرهنگی- اجتماعی و قانونی بر کارآفرینی زنان موثر بوده و مانع از مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های کارآفرینی می‌شوند. همچنین نتایج تحقیقات ایشان نشان می‌دهد که موانع فرهنگی و مالی مهمترین موانع در کارآفرینی زنان‌اند (میر غفوری، صیادی و فهیمی، ۱۳۸۶: ۶۰). کریمی در تحقیق صورت گرفته در بین زنان کارآفرین در تعاونی‌های استان مازندران مشکلات مالی، اختلاف میان اعضا و تبعیض علیه زنان را به عنوان مهمترین موانع کارآفرینی زنان در تعاونی‌ها مطرح کرده است (کریمی، ۱۳۸۴) چیتسیک (۲۰۰۰) پیرامون موانع پیش روی زنان کارآفرین در زیمباوه دریافت که زنان در آغاز کارشان نسبت به مردان در دستیابی به منابع لازم با محدودیت بیشتری مواجه‌اند و هیچ حمایتی از سیستم حقوقی دریافت نمی‌دارند (chitsike, 2000: 72).

## روش پژوهش:

تکنیک استفاده شده در پژوهش حاضر روش تحقیق پیمایش<sup>۱</sup> می‌باشد و ابزار آن پرسش نامه بوده است برای حصول اطمینان از پایایی پرسش نامه مورد استفاده از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شده است، که پارامتر آلفا (a) موانع کارآفرینی، برای ۱۵ نفر کشاورز زن نمونه ۰/۸۳ بود که نشان دهنده مناسب بودن پرسش نامه مورد استفاده است و برای اطمینان از روایی یا اعتبار محتوایی پرسش نامه از روش نظر سنجی استادان و صاحب نظران امر استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق شامل کشاورزان نمونه‌ای است که طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵ از طرف سازمان جهاد کشاورزی منطقه جیرفت و کهنوج به عنوان نمونه در مناطق (جیرفت، کهنوج، عنبرآباد، رودبار جنوب، منوجان، قلعه گنج) انتخاب شده‌اند، تعداد افراد حاضر ۷۴ نفر بوده‌اند که دلیل محدود بودن تعداد، تمامی آن‌ها مصاحبه شده و پرسش نامه‌ها تکمیل شد.

پس از تکمیل پرسش نامه‌ها، در تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها از روش تحلیل عاملی از نوع اکتشافی برای دسته‌بندی و تبیین و تشریح موانع مورد بررسی و استخراج سازه‌های زیر بنایی بهره گرفته شد.

## یافته‌ها:

پس از بررسی و مرور کتابخانه‌ای و اینترنتی اسناد و منابع مربوطه و نیز مصاحبه و گفت و گو با تعدادی از زنان کشاورز نمونه و صاحب‌نظران متغیرها شناسایی شدند و در پرسش‌نامه‌ای با عنوان موانع موجود در زمینه کار آفرینی زنان کشاورز فهرست و از پاسخ‌گویان خواسته شده است تا اهمیت آن‌ها را ارزیابی کنند و امتیازی بین صفر تا ده به آن‌ها اختصاص دهند. پس از گردآوری و ورود داده‌ها به رایانه از نرم افزار<sup>۲</sup> SPSS برای تحلیل داده‌های جمع آوری شده بهره گرفته و تلاش شد تا نتایج تحلیل عاملی در دو قسمت جداگانه ارائه شود. بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل موانع موجود در کارآفرینی زنان کشاورز، مقدار<sup>۳</sup> KMO برابر با ۰/۶۸ بدست آمد و چون بالاتر از ۰/۶۰ است نشان دهنده آن است که وضعیت داده‌ها برای تحلیل عاملی در حد خوب می‌باشد. مقدار باز تلت نیز برابر با ۱۹۳۶/۸۱۲ دست آمد که در سطح معناداری بیش از ۰/۹۹ قرار دارد. اندازه KMO و نتایج آزمون باز تلت برای ماتریس همبستگی داده‌ها در جدول (۱) نمایش داده شده است که حاکی از مناسب بودن متغیرهای وارد شده برای تحلیل است.

1. Survey Research
2. Statistical Package for Social Science
3. Kaiser-Meyer-Olkin

جدول ۱: مقدار KMO و آزمون بار تلت و سطح معناداری

سطح معناداری	بار تلت	KMO
۰/۰۰۰	۱۹۳۶/۸۱۲	۰/۶۸

برای تعیین تعداد عوامل بر اساس ملاک کیسر عمل شد. بر اساس این ملاک تنها عواملی مورد پذیرش قرار می‌گیرند که مقدار ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از یک باشد، بر این اساس تعداد ۳ عامل که مقدار ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از عدد یک بود، استخراج شد: عامل اول با نام (فرهنگی-اجتماعی) با مقدار ویژه ۵/۲۳ به تنهایی ۲۷/۴۸٪ واریانس کل عوامل است، عامل دوم با عنوان (خدماتی-حمایتی) با مقدار ویژه ۴/۴۲، تبیین کننده ۲۲/۴۸٪، عامل سوم با عنوان «قانونی» با مقدار ویژه ۳/۱۲ تبیین کننده ۱۷/۶۴٪ واریانس کل اند به طور کلی سه عامل یاد شده در مجموع ۶۷/۵٪ کل واریانس را تبیین می‌کنند (جدول ۲)

جدول ۲: تعداد عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و فراوانی تجمعی درصد واریانس آن‌ها

ردیف	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
۱	۵/۲۳	۲۷/۳۸	۲۷/۳۸
۲	۴/۴۲	۲۲/۴۸	۴۹/۸۶
۳	۳/۱۲	۱۷/۶۴	۶۷/۵

وضعیت قرارگیری متغیرها در عوامل با فرض شدن متغیرهای با بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۵ درصد بعد از چرخش عامل‌ها به روش وریماکس و نام‌گذاری عامل‌ها به شرح جدول ۳ است.



جدول ۳: متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل، میزان ضرایب بدست آمده از ماتریس دوران یافته

نام عامل	متغیرها	میزان ضریب
فرهنگ اجتماعی	نگرش مرد خانوار به زنان کشاورز	۰/۸۶۲
	نگرش مسئولان به زنان کشاورز	۰/۸۳۱
	میزان بهره مندی زنان کشاورز از امکانات آموزشی	۰/۸۴۶
	تأثیر جنسیت در میزان انگیزه	۰/۸۲
	میزان همکاری همسر در امور مختلف	۰/۷۹۶
	میزان اعتماد به نفس در زنان کشاورز	۰/۸۳۲
	مستقل بودن زنان کشاورز در تصمیم گیری ها	۰/۷۴۴
	مشارکت در امور متعدد علاوه بر کشاورزی	۰/۸۱۲
	تبعیض بین دختر و پسر در زمینه تحصیل در خانوار	۰/۸۸۲
	تبعیض بین دختر و پسر در زمینه تحصیل در جامعه	۰/۸۵۶
خدماتی حمایتی	مشارکت در فعالیتهای کشاورزی	۰/۷۶۱
	مشارکت در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های مربوط به روستا	۰/۸۲۲
	دسترسی به تکنولوژی و نهاده های کشاورزی (زمین، آب و ...)	۰/۸۹۴
	حمایت کلیه سازمان ها اعم از دولتی و غیر دولتی	۰/۸۶۴
	دسترسی به فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی (ICT)	۰/۷۷۴
	تعدد کادر آموزشی زنان در مناطق روستایی	۰/۸۱۸
	حمایت های اجتماعی از زنان وابسته به مردان یا زنان متاهل	۰/۸۶۶
	استفاده از مروجان زن	۰/۸۷۲
	برنامه ترویجی مخصوص زنان کشاورز	۰/۷۳۲
	بازاریابی محصولات کشاورزی به وسیله زنان کشاورز	۰/۷۸۶
قانونی	دسترسی به اعتبارات و تسهیلات اعطایی از سوی بانک ها و سایر موسسات مالی	۰/۸۲۲
	قوانین اداری دست و پا گیر	۰/۸۴۴
	کنترل بر در آمد خویش	۰/۸۱۸
	کنترل بر سرمایه خویش	۰/۹۱۸
	قوانین استخدامی دست و پاگیر	۰/۸۸۴
	مشارکت در ساختار مدیریت	۰/۸۵۸
	تاسیس تعاونی به مدیریت زنان	۰/۷۱۲
	وضعیت زنان در آمار و ارقام و حساب های ملی	۰/۸۷۴

## نتیجه‌گیری

بر اساس پیش بینی سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۲۵ میلادی، ۷۲ درصد از جمعیت بالای ۶۰ سال در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند که نیمی از این جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند و بخش عمده‌ای از آنان در بخش کشاورزی فعالیت دارند (UN, 2006). در هند ۸۶/۱٪ از زنان در بخش کشاورزی شاغل‌اند و این رقم برای مردان ۷۴٪ است در صورتی که به سختی برنامه‌های خاص برای افزایش مهارت‌های کشاورزی زنان وجود دارد و این در حالی است که ۷/۱٪ از زنان روستایی در هزینه تولید مشارکت دارند و این درصد برای مردان کمتر از ۷٪ است و بیشتر برنامه‌های آموزشی به ندرت زنان را در بر گرفته است (Anonymous, 2003) با توجه به آمار و سرشماری رسمی در کشور ایران در حدود ۸ میلیون زن روستایی ۱۰ سال به بالا در بخش کشاورزی فعالیت دارند (روزی طلب، ۱۳۷۶: ۱۳) بر طبق آمار انتشار یافته از طرف وزارت کار درصد اشتغال در بخش کشاورزی طی سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۲ در گروه مردان ۱۹/۵۸٪ کاهش و برای زنان ۴۶/۶۶٪ افزایش داشته است، با وجود این واقعیت که زنان نقش کلیدی و حساسی در تولید محصولات کشاورزی بر عهده داشته‌اند و تلاش گسترده‌ای از سوی طراحان توسعه در مورد آنان انجام گرفته است، ولی از برنامه‌های آموزشی، روش‌های مدرن تولید غذا، تکنیک‌های کار، مدیریت مزارع کوچک و دامداری‌ها، سرویس‌های بازاریابی و صنایع کوچک محروم‌اند و هر از گاهی اعتباراتی برای بهبود تکنیک‌های کشاورزی در اختیار آنان قرار گرفته است و عضویت در تعاونی‌ها برای دریافت وام‌های کشاورزی محدود بوده است. در پیمایشی در جامائیکا مشخص شد که زنان ۵ تا ۶ ساعت در مزرعه و ۳ تا ۴ ساعت در خانه و ۲ تا ۵ ساعت را صرف مراقبت از بچه‌ها می‌کنند همچنین مشخص گردیده که بازار نا کافی ۱۰۰٪، عدم دسترسی به داده‌ها ۸۳٪، ناکافی بودن زمین ۹۰٪ و فقدان ترویج کشاورزی ۸۲٪ از مهم‌ترین تنگناهایی است که بر فعالیت‌های کشاورزی زنان متمرکز شده است (Anonymous, 2003). در حال حاضر در حالی که حدود ۶۳/۴ درصد زنان شاغل کشور دارای تحصیلات تخصصی‌اند فقط ۹/۴ درصد زنان شاغل روستایی از این تحصیلات برخوردارند و اگر بخواهد همین ساختار سرمایه انسانی زنان روستایی تا سال ۱۴۰۰ استقرار یابد در این سال در روستاها فقط حدود صد هزار زن با تحصیلات تخصصی وجود خواهد داشت، در بررسی فوق‌الذکر این گونه نتیجه‌گیری می‌شود که زنان روستایی در این سطح از سرمایه انسانی هیچ شانس برای ارتقای منزلت اقتصادی ندارند و وضعیت اقتصادی آن‌ها احتمالاً در سال ۱۴۰۰ از هم اکنون نیز وخیم‌تر خواهد بود. زنان که می‌بایست از گروه مخاطبان اصلی برنامه‌های آموزشی- ترویجی باشند مورد توجه قرار نگرفته‌اند و در واقع فراموش شده‌اند. یکی از دلایل این امر، نداشتن شناخت برنامه ریزان و مجریان برنامه‌های آموزشی- ترویجی از جایگاه واقعی زنان روستایی در روند توسعه است. به گونه‌ای که اکثر افراد جامعه زنان روستایی را به عنوان اعضای که فقط وظیفه خانه داری و پرورش کودکان را بر عهده دارند می‌پذیرند و کمتر به نقش آن‌ها در تولید توجه می‌کنند.

آمارها نشان می‌دهد که تعداد دانش آموزان پسر از تعداد دانش آموزان دختر بیشتر است، لذا بیشتر دختران روستایی به علت عدم دسترسی به امکانات آموزشی محکوم به ترک تحصیل‌اند. تحقیقات کشاورزی اغلب به سوی تکنولوژی‌هایی که به وسیله مردان کشاورز مورد استفاده قرار می‌گیرد هدایت شده است و محصولات کشاورزی که توسط زنان تولید می‌گردد در تحقیقات کشاورزی اولویت ندارند. معمولاً در مناطق روستایی مسئله جنسیت به صورت بالقوه عامل بازدارنده قوی برای کار آفرینان زن نسبت به مناطق شهری است. مسئله دیگر عدم خودباوری زنان کشاورز و روستایی است بدون خود باوری، شرایط کارآفرینی شناخته و درک نخواهد شد و نهایتاً از بین خواهد رفت. با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش می‌توان پیشنهادهای ذیل را در ارتباط با کارآفرینی زنان کشاورز ارائه کرد:

- آموزش بدون تبعیض جنسیتی به منظور بدست آوردن فنون جدید برای بهبود تولیدات کشاورزی و بالا بردن زمینه‌های کار آفرینی.

- ارائه و ایجاد برنامه اعتباری پایدار برای زنان به ویژه زنان روستایی و کشاورز.
- طرح و اصلاح قوانین، به منظور اطمینان از اینکه زنان روستایی از حقوق مساوی برای مالکیت زمین و سایر امکانات از جمله: اعتبار، فناوری مناسب، دسترسی به بازار برخوردار باشند.
- تغییر اقدامات بازدارنده، جهت‌گیری قانونی و سیاست‌های دولتی بایستی بر تحقق نیازهای راستین و اندیشه‌های زنان کشاورز کارآفرین مبتنی شود.
- سرمایه‌گذاری در آموزش علم و فناوری به زنان و برنامه ریزی برای توانمند سازی آنان به منظور توانا کردن آنها برای به دست آوردن صلاحیت علمی و عملی.
- ایجاد قدرت رهبری میان زنان به وسیله شبکه آموزش.
- ارائه آموزش‌های لازم در خصوص صنایع مختلف مثل صنایع دستی، صنایع کشاورزی و صنایع قالبیافی توأم با فعالیت‌های ویژه عملی از سوی کارگزاران که می‌تواند در زمینه عملی شدن ظرفیت‌های بالقوه زنان موثر باشد.
- معرفی زنان نمونه به منظور ایجاد انگیزه و رقابت سالم میان شاغلان بخش کشاورزی و به وجود آوردن نگرش مثبت نسبت به حضور زنان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی.
- دسترسی زنان به سرویس‌های ترویجی و استخدام آنان به عنوان کارکنان حرفه‌ای، نیمه حرفه‌ای و ماموران میدانی برای ارائه خدمات ترویجی در جایی که مناسب‌اند.

## منابع :

- آراستی، زهرا (۱۳۸۵)، «توسعه کارآفرینی زنان و دختران دانشگاهی»، در <http://dbase. irandoc. ac. ir/00775/00775409. htm>
- احمدی شاپورآبادی، محمد علی، (۱۳۸۸) «بررسی نقش زنان روستایی در بهره وری و اصلاح الگوی مصرف در جوامع روستایی»، نشریه علمی-ترویجی راهبرد یاس، شماره بیست، صص ۷۰-۹۶
- روزی طلب (۱۳۷۶) «تازه‌ترین آمار از میزان مشارکت زنان در اقتصاد روستایی»، روزنامه ایران، سال سوم شماره ۷۹۵، ص ۱۳
- حسینی، سید محمود و محمد رضا سلیمان پور (۱۳۸۵) «بررسی اثرات تقویت روحیه کارآفرینی در روند توسعه کشاورزی»، ماهنامه علمی-ترویجی جهاد، سال ۲۶، شماره ۲۷۳، صص ۲۵۰-۲۶۵
- چار سوقی امین، حامد و سید مهدی میر دامادی (۱۳۸۶) «بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصی و اجتماعی، اقتصادی بانوان برنج کار شهرستان بندر انزلی با معیارهای کشاورزی پایدار»، فصلنامه یافته‌های نوین کشاورزی، سال اول، شماره ۳ صفحه ۲۵۱-۲۶۵
- شریف‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۸۰) «جایگاه زنان در آموزش و ترویج کشاورزی»، ماهنامه کشت، دام، صنعت. سال دوم تیر ماه ۱۳۸۰ شماره ۲۹، ۲۸ صفحه ۶۰-۵۸.
- شعبانعلی فمی، حسین، علی اسدی و شهلا چوبچیان (۱۳۸۶) آشنایی با شیوه‌های خود اشتغالی، تهران، دانشگاه پیام نور، ص ۴۶
- صابر، فیروزه (۱۳۸۱) راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- صابر، فیروزه (۱۳۸۸) «زنان در بخش خدمات بیشترین سهم را دارند در... ..» [http://www. ea. wenet. ir/index. php?option=com\\_content&task=view&id=283&Itemid=44](http://www. ea. wenet. ir/index. php?option=com_content&task=view&id=283&Itemid=44)
- لهسایی زاده، عبد العلی (۱۳۷۶) «بررسی پایگاه طبقات زنان روستایی در ایران، تهران، معاونت برنامه ریزی و پشتیبانی، موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی»، انتشارات اقتصاد کشاورزی و توسعه
- هاشمی‌نژاد، اشرف‌السادات (۱۳۸۴) «گسترش کارآفرینی زنان»، فصلنامه تخصصی اشتغال و کارآفرینی (رویش) سال سوم شماره ۱۲ زمستان ۸۴
- هاشمی داران، حسن (۱۳۸۴) اشتغال و کارآفرینی در بخش کشاورزی ایران، همایش ملی کارآفرینی، تهران، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، صص ۴۹۱-۵۵۲
- کریمی، زهرا (۱۳۸۴) «نقش حمایت‌های دولت در گسترش کارآفرینی در میان زنان: مطالعه موردی: تعاونی‌های زنان استان مازندران»، اولین همایش کارآفرینی زنان و چالش‌های پیش رو، انجمن زنان مدیر کارآفرین.

ویسی، هادی و محمد بادیار (۱۳۸۴) «بررسی عوامل موثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیتهای روستایی، مطالعه موردی استان کردستان»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۸ شماره ۴، صص ۱۹-۴۲ میرغفوری، سید حبیب الله، حسین صیادی تورانلو و سعیده فهیمی هنزایی (۱۳۸۶) «شناسایی و رتبه بندی موانع موثر بر فعالیتهای کارآفرینی زنان با استفاده از تکنیکهای MCDM: زنان کارآفرین استان یزد»، مجله مطالعات زنان، سال اول، شماره دوم، صص ۳۳-۶۱

Anony mous(2002)". *Empowerment of women*. Available on": [www. care.](http://www.care.org/newsroom/.../woman_and_empowerment.pdf)

[org/newsroom/... /woman\\_and\\_empowerment. pdf](http://www.care.org/newsroom/.../woman_and_empowerment.pdf)

Anonymous,(2003). " *Gender and development.. [On line]*. Available on the": [www. lib. upm. edu. my/iisgend. html](http://www.lib.upm.edu.my/iisgend.html) - 13k

Anony mous (2003)" *Innovations for Empower mint rural women*. [On line]Available on": [www. accu. or. ip/litbase/break/pdf/hdf 915 g. PDF/](http://www.accu.or.ip/litbase/break/pdf/hdf915g.PDF/)

Butter ,E. H,Moore,D. P(1997) " *Women's organizational Exodus to Entrepreneurship :Self-Reported Motivations and correlates with success "*, *Journal of small Business Management* , Vol. 22, pp. 186-192

Chitsike. C(2000) *Culture as a barrier to rural women's entrepreneurship :experience from Zimbabwe*. *Gender and Development*8(1) :pp:71-77

Carter,sara( 2005). *Constraints on women enterprise , 27<sup>th</sup> conference enterprise and small business* , University of strathclyed in Glasgow ,June 2005,pp. 36-47

(2005) Hisrich,Robert and peters Michael and dean shepherd

. *Entrepreneurship*. New York:McGrow- Hill. Irwin

Katz, J. A. (2003), "The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education 1876-1999", *Journal of Business Venturing*, Vol. 18 No. 2, pp. 283-300

oecd(1999)women entrepreneurship. *Exchanging experiences between OECD and transition economy countries*. Pg78

Otake,M. (1999)" *Gender equality through the empowerment of society"*.

[Www. sdnp. undp. org/women-economy/msg02699. html](http://Www.sdnp.undp.org/women-economy/msg02699.html)-7k

Smith ,A. B. (2005)*Changing external conditions require high levels of Entrepreneur ship in a*

*agriculture agricultural economic research institute* , Netherlands.

Zimny. Ewa Ruminska(2003). *women entrepreneur ship in transition countries,th48 world conference international council for small Business. Belfast, northern, Ireland pp. 96-108*

Unido (2004) *women industry and entrepreneurship united nation industrial developing organization.*

U N, (2006 ). *World population ageing 1950-2050. IV. Demographic profile of the older population. www. un. org/esa/population/publications/pdf/90chapter/IV/. pdf*

Archive of SID